

روستا و توسعه، سال ۲۵، شماره ۹۹، پاییز ۱۴۰۱

DOI: 10.30490/RVT.2021.353694.1328

مقاله پژوهشی

طراحی الگویی برای توسعه کارآفرینی اجتماعی در بین زنان روستایی: کاربرد نظریه داده‌بنیان

مهناز جعفری^۱، حسین مهدی‌زاده^۲، نعمت‌اله شیری^۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۲/۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۱۵

چکیده

اگرچه زنان به‌ویژه زنان روستایی نقش مهمی در پیشرفت کشورهای در حال توسعه دارند؛ ولی متأسفانه به مسائل، مشکلات و فعالیتهای اقتصادی آنان توجه چندانی نمی‌شود. در این راستا، نظر به اینکه صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی می‌تواند بستری را برای توسعه کارآفرینی اجتماعی و در نتیجه حل مسائل و مشکلات زنان روستایی فراهم کند؛ توجه به توسعه فعالیتهای کارآفرینی اجتماعی در قالب صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار است. هدف کلی پژوهش حاضر، طراحی الگویی برای توسعه کارآفرینی اجتماعی در بین زنان روستایی عضو صندوق‌های اعتبارات خرد

۱- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه کارآفرینی و توسعه روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

۲- استادیار گروه کارآفرینی و توسعه روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

۳- نویسنده مسئول و استادیار گروه کارآفرینی و توسعه روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.
(n.shiri@ilam.ac.ir)

شهرستان ایوان (استان ایلام) است. این پژوهش از لحاظ پارادایم، کیفی و به لحاظ هدف، کاربردی است که با بهره‌گیری از روش نظریه داده‌بنیان انجام شد. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش شامل متخصصان حوزه کارآفرینی اجتماعی و زنان عضو صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی در شهرستان ایوان بودند. نمونه‌های مورد مطالعه ابتدا به صورت هدفمند و در ادامه به صورت نظری انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، مصاحبه‌های عمیق انفرادی بود. پس از انجام ۱۹ مصاحبه، اشباع نظری حاصل شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از تکنیک‌های کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که دانش و اطلاعات، تلاطم‌های فردی، سرمایه اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، داشتن الگوی نقش، خصیصه‌های روان‌شناختی، آگاهی اجتماعی، ماهیت صندوق‌های اعتبارات خرد و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، مؤلفه‌های تبیین‌کننده الگوی توسعه کارآفرینی اجتماعی در بین زنان روستایی بودند. بر اساس یافته‌های پژوهش، راهکارهایی نظیر حمایت اقتصادی، حمایت آموزشی، سیاست‌های مالی-حمایتی، الگوسازی و تیم‌سازی اثربخش برای توسعه کارآفرینی اجتماعی در بین زنان روستایی پیشنهاد داده شد.

کلیدواژه‌ها: کارآفرینی اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، توانمندسازی زنان، صندوق‌های اعتبارات خرد.

مقدمه

محرومیت مالی و عدم دسترسی به اعتبارات یکی از مهم‌ترین موانع پیش‌روی کارآفرینان در کشورهای در حال توسعه است که به تداوم فقر در این کشورها منجر شده است (Boyé et al., 2009). در این راستا، اعتبارات خرد با هدف کاهش فقر، توانمندی اقتصادی فقرا و ظهور قابلیت‌های کارآفرینانه آنان موجب دسترسی افراد محروم جامعه به منابع مالی و در نهایت توسعه کارآفرینی می‌شود. در این میان، علی‌رغم آن‌که نرخ مشارکت زنان در بخش غیررسمی بیش از مردان است (Akanji, 2001)، اما آنان دسترسی محدودی به اعتبارات برای انجام فعالیت‌های کارآفرینانه دارند (Iganiga, 2008). بنابراین، می‌توان به این نتیجه دست یافت که زنان و خصوصاً زنان روستایی اولین و اصلی‌ترین ذینفعان اعتبارات خرد هستند (Kallur, 2006). اگرچه اعتبارات خرد تا قبل از سال ۱۹۷۰ چندان مورد توجه قرار نگرفته بود، اما پس از تأسیس صندوق‌های اعتبارات خرد توسط محمود یونس در بنگلادش این امر به سرعت در سراسر جهان مورد توجه قرار گرفت؛ به گونه‌ای که در حال حاضر، حدود ۳۰۰۰ مؤسسه اعتبارات خرد در دنیا وجود دارد که ۱۲۸/۲ میلیون فقیر را تحت پوشش قرار داده است. در این راستا، دفتر امور زنان روستایی در ایران با هدف تسهیل دسترسی زنان روستایی به منابع مالی و اعتباری و توسعه مشاغل پایدار، اقدام به تشکیل صندوق‌های اعتبارات خرد ویژه زنان روستایی از سال ۱۳۷۹ نمود. طرح صندوق اعتبارات خرد یکی از رهیافت‌های مهم

فقرزدایی در سال‌های اخیر است که با ایجاد و گسترش فعالیت‌های درآمدزا به‌ویژه برای زنان کم‌درآمد، توسعه جوامع محلی را تسهیل نموده است (Sardoo and Karami, 2016).

اگرچه تلاش‌های زنان کارآفرین و نقش آنان در توسعه اقتصادی کشورها کمتر مورد توجه قرار گرفته است و اغلب کسب‌وکارهای مربوط به زنان، به‌خصوص کسب‌وکارهای موجود در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، تحت یک اقتصاد غیررسمی قرار دارد و لذا بخش عظیمی از تلاش‌های زنان در حوزه کارآفرینی نتوانسته است توجه کافی سیاست‌مداران یا رسانه‌های عمومی را به خود جلب کند؛ اما بی‌توجهی به فعالیت‌های زنان در زمینه کارآفرینی نفی‌کننده نقش و سهم آنان در تولید ثروت در اقتصاد جهانی یا نقش مهم آنان در حل مسائل اجتماعی نیست (De Bruin et al., 2007). زنان در جامعه امروز ایران، نقش مهم و در حال گسترشی در زمینه کسب‌وکارها ایفا کرده؛ به‌گونه‌ای که سهم زنان در کسب‌وکارهای خصوصی و یا غیردولتی روند رو به رشدی را در سال‌های اخیر طی کرده است. بنابراین، با توجه به ضرورت توسعه سهم زنان در اقتصاد ملی و مقابله با بحران بیکاری، ضروری است که شرایط لازم برای توسعه کارآفرینی زنان فراهم شود؛ به‌گونه‌ای که زنان هم با ایجاد کسب‌وکار و فرصت‌های شغلی برای خود و دیگران بتوانند به حل این بحران کمک کنند. از این‌رو، توسعه کارآفرینی و راه‌اندازی و ترویج کسب و کار خرد و کوچک به‌طور فزاینده‌ای به‌عنوان ابزاری برای ایجاد فرصت‌های اشتغال پایدار به‌ویژه برای افراد حاشیه‌ای مانند زنان، فقرا و افراد معلول مورد توجه است (Roknedin Eftekhari and Sojasi Qidari, 2014). در این راستا، کارآفرینی اجتماعی تمرکزی ویژه بر سهم و نقش منحصربه‌فرد کارآفرینان زن در ایجاد و توسعه کسب‌وکار در جوامع مختلف دارد. کارآفرینی اجتماعی عبارت است از کاربرد رفتارهای کارآفرینانه برای اهداف اجتماعی مبتنی بر سود و یا اینکه سود تولیدشده از این رفتارهای کارآفرینانه در جهت منافع گروه‌های محروم جامعه به کار گرفته شود (Shiri et al., Hibbert et al., 2002; 2017). به‌عبارت‌دیگر، کارآفرینان اجتماعی افرادی هستند که توانایی شناسایی نیازهایی را دارند که سیستم دولتی نتوانسته و یا نمی‌تواند آن را برآورده کند، لذا این افراد برای این منظور با همکاری و مشارکت یکدیگر منابع لازم نظیر افراد داوطلب، پول و ... را جمع‌آوری نموده و از این منابع برای «ایجاد نوعی تمایز» استفاده می‌کنند (Thompson et al., 2000). در واقع، کارآفرینان اجتماعی نوآرانی هستند که برای غلبه بر عمیق‌ترین و مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی مصمم هستند و لذا برای این منظور از ایده‌های جدیدی در مشاغل خود استفاده می‌کنند (LaBarre et al., 2001).

چنانچه کارآفرینی اجتماعی در جامعه نهادینه شود، می‌تواند نقش مهمی در رفع مشکلات اقتصادی و اجتماعی ایفا نماید. کارآفرینی اجتماعی همواره به‌عنوان یک فرآیندی که تغییر اجتماعی را تسریع می‌کند و نیازهای مهم اجتماعی را مورد خطاب قرار می‌دهد مورد توجه قرار گرفته است و می‌توان گفت دلیل اهمیت مبحث و مقوله کارآفرینی اجتماعی، حیاتی‌بودن عکس‌العمل مناسب در برابر تغییرات اجتماعی است (Ahmadi Farsani and Safari, 2017). کارآفرینی اجتماعی برای ایجاد تغییرات اجتماعی و برای پاسخ به تغییرات مداوم اجتماعی، لازم و ضروری است و منفعت بالقوه و ماندگار آن به جامعه منتقل می‌شود. امروزه کارآفرینی اجتماعی می‌تواند تمام فعالیت‌های اجتماعی انسان را تحت تأثیر قرار دهد. همین اهمیت روزافزون کارآفرینی اجتماعی و تأثیر عمده آن بر زندگی اجتماعی و اقتصادی جوامع سبب توجه اساسی به این مقوله شده است (Martin and Osberg, 2007).

از بیان آنچه گذشت می‌توان گفت با توجه به اینکه از یک سو حدود نیمی از جمعیت هر جامعه را زنان تشکیل می‌دهند و زنان در ردیف بزرگترین ذخایری هستند که هنوز از وجودشان استفاده بهینه به عمل نیامده است و این گروه کثیر که عهده‌دار تنظیم امور خانوادگی و تعیین‌کننده مسیر اقتصاد و خانواده محسوب می‌شوند، در امور اقتصادی و تنظیم بودجه خانوادگی دخالت مستقیم دارند و هر نهضتی که بخواهد رفاه اجتماعی و نظم اقتصادی را توسعه دهد ناگزیر است که از توجه همکاری آنان، بهره‌مند شود، لذا در عصر حاضر فراهم کردن زمینه‌های تازه برای مشارکت بیشتر زنان و بهره‌گیری جدی‌تر از قدرت تفکر، ابداع و خلاقیت آن باید در سرفصل سرمایه‌های مدیریت نوین قرار گیرد (Shiri et al., 2021). ازسوی دیگر، نظر به اینکه مفهوم‌سازی و نظریه‌پردازی در حوزه کارآفرینی اجتماعی می‌تواند به تکامل اجتماعی مبتنی بر توانمندسازی نهادها و سازمان‌های حمایتی و کارآفرینی در استراتژی‌ها و شیوه‌های ارائه خدمات عمومی منجر شود؛ لذا اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر با هدف طراحی الگویی برای توسعه کارآفرینی اجتماعی در بین زنان روستایی عضو صندوق‌های اعتبارات خرد آشکار می‌شود. نتایج این مطالعه دستاوردهای مهمی برای توسعه اجتماعی و توانمندسازی زنان روستایی با تأکید بر صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی که نمونه‌های موفق از کارآفرینی اجتماعی هستند به همراه خواهد داشت. در واقع، سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان، مدیران توسعه روستایی می‌توانند از نتایج این پژوهش برای ترویج و توسعه کارآفرینی اجتماعی در بین زنان روستایی استفاده کنند. در ادامه برای شفاف‌سازی بیشتر موضوع، نتایج مطالعات داخلی و خارجی ارائه شده است.

ورکیانی پور و همکاران (Varkianipor et al., 2020) در پژوهشی با عنوان مدل سازی کارآفرینی زنان شهری بر اساس زنجیره ارزش کارآفرینی با رویکرد توسعه پایدار اجتماعی نشان دادند که در فعالیتهای پشتیبانی در مؤلفه آموزش (مدیریت توسعه، کنترل و بازاریابی)، در مشاوره (مشاوره در زمینه تسهیلات و یا موانع دولتی در خصوص کسب و کار)، در تأمین منابع مالی (اقدام بانکهای تجاری در قالب تسهیلات، وام و پس انداز)، در مدیریت منابع انسانی (تجزیه و تحلیل شغلی و برنامه ریزی منابع انسانی) و در زیرساختهای اساسی (تعهدات اخلاقی و سخت کوشی) از اهمیت بالاتری برخوردارند. زارع و دشتکی (Zare and Dashtaki, 2019) در مطالعه‌ای به این نتیجه دست یافتند که سیاستهای توانمندساز به منزله پدیده محوری و در تعامل با عوامل دیگر موجب شکل گیری کارآفرینی اجتماعی می شود. ظرفیت سازی، تقویت جسمی - روانی و قوانین حمایتی در شکل گیری سیاستهای توانمندساز تأثیر بسزایی دارند که در نهایت این نگرش، پایه‌ای برای به وجود آمدن پدیده کارآفرینی اجتماعی می شود. یکی از بسترهای مهم در تحقق کارآفرینی اجتماعی در مدل پارادایمی این پژوهش جهت گیری کارآفرینانه است. این مقوله شامل مقوله‌های فرهنگ نوآوری، ساختار چابک و آینده گرایی است. شرایط مداخله گر در این پژوهش، نگرش غیرانتفاعی است که با مقوله‌های فرعی خیرخواهی نوع دوستانه، معنویت گرایی و نیاز اجتماعی شناسایی می شود. پیامدهای کارآفرینی اجتماعی منتج از توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، پیدایش تعالی اجتماعی است. مقوله‌های شادابی اجتماعی، افزایش سلامت اجتماعی، جامعه مترقی، حفظ ارزش و کرامت زن و تحکیم بنیان خانواده و مشارکت اجتماعی از مصادیق تعالی اجتماعی است. سعیدی و همکاران (Saeidi et al., 2018) در مطالعه‌ای نشان دادند که میان متغیرهای مستقل میزان درآمد ماهیانه خانوار، برگزاری کلاسهای حرفه‌ای و آموزشهای تخصصی، میزان اولویت به مشارکت فعال زنان در طرحهای خودکفایی، مشاوره‌های اجتماعی، شغلی و متنوع سازی درآمد و ایجاد اشتغال و فرصت‌های کسب درآمد با میزان توانمندی اقتصادی زنان روستایی عضو صندوق رابطه معناداری وجود دارد. ولی زاده و کریمی گوگری (Valizadeh and Karimi Gougheri, 2018) در مطالعه‌ای به این نتیجه دست یافتند که متغیرهای همدلی، خودکارایی، حمایت اجتماعی درک شده، تعهد اخلاقی و تجربه قبلی اثرات مثبت و معنی داری بر نیت کارآفرینی اجتماعی دارند. مظفری و ضیائی (Mozaffari and Ziaee, 2017) در پژوهشی نشان دادند که بین دیدگاه پاسخگویان نسبت به گویه‌های شناخت وضعیت روستا، روحیه کارآفرینی، استقلال مالی، روحیه خودباوری و اعتماد به نفس و زمینه سازی اشتغال جدید با توانمندسازی مدیریتی زنان روستایی منطقه الموت بر اساس متغیر سطح تحصیلات تفاوت معنی داری وجود دارد. قادرمرزی

و همکاران (Ghademarzi et al., 2015) نیز در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که موانع اقتصادی و آموزشی، موانع پیش‌روی زنان کارآفرین روستایی است. همچنین نتایج پژوهش نشان داد سه عامل نداشتن پشتوانه مالی و پس‌انداز کافی، نداشتن وثیقه و ضامن برای استفاده از اعتبارات دولتی و عدم توانایی در رقابت با مردان در عرصه تجارت و اقتصاد، مهمترین موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی هستند.

پولیدو و همکاران (Pulido et al., 2014) در پژوهشی نشان دادند که نگرش نوع‌دوستانه و عضویت در یک سازمان اجتماعی مهمترین عوامل اجتماعی فرهنگی برای کارآفرینی اجتماعی زنان است. شین (Shin, 2018) در تحقیقی به بررسی چگونگی اثرگذاری کارآفرینان اجتماعی بر عملکرد شرکت‌های اجتماعی در کره پرداختند. نتایج مطالعه نشان داد که مقاصد کارآفرینی اجتماعی تأثیر مثبتی بر اقتصاد و عملکرد اجتماعی دارند. تو و همکاران (To et al., 2020) در مطالعه‌ای نشان دادند که متغیرهای تجربه کاری، ابراز وجود اجتماعی، خودمختاری، پاداش مؤثر و حمایت از جامعه با ابعاد و مؤلفه‌های کارآفرینی اجتماعی نظیر رفاه اجتماعی در ارتباط هستند. مندز پیکازو و همکاران (Méndez Picazo et al., 2021) در مطالعه‌ای نشان دادند که عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بر کارآفرینی اجتماعی تأثیرگذار است که در نهایت منجر به توسعه پایدار مشاغل می‌شود. بررسی مبانی نظری و پیشینه تجربی پژوهش نشان می‌دهد که پژوهش‌های معدودی در زمینه ترویج و توسعه فعالیت‌های کارآفرینی اجتماعی در بین زنان به صورت اعم و زنان روستایی به صورت اخص به شیوه کیفی به استخراج مدلی برای توسعه این فعالیت‌ها در بستر و شرایط متناسب با ویژگی‌های آن‌ها پرداخته است. از این‌رو، در مطالعه حاضر به منظور طراحی الگویی بومی و جامع برای توسعه کارآفرینی اجتماعی در بین زنان روستایی عضو صندوق‌های اعتبارات خرد شهرستان ایوان (استان ایلام) از روش نظریه داده‌بنیان استفاده شده است.

روش‌شناسی تحقیق

مطالعه حاضر از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش‌شناسی در زمره پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد؛ همچنین از نظریه داده‌بنیان نیز به عنوان روش پژوهش بهره گرفته شده است. نظریه داده‌بنیان، روالی نظام‌مند و کیفی برای تولید نظریه یا مدل درباره موضوعی واقعی در سطح کلی است که به دو روش نظام‌مند (پارادایمیک) و غیرنظام‌مند (غیرپارادایمیک) انجام می‌شود (Creswell, 2012). در پژوهش حاضر از نظریه داده‌بنیان به شیوه نظام‌مند بر اساس نظر اشتراوس و کوربین (Strauss and Corbin, 1990) بهره برده شد. پژوهشگر در الگوی پارادایمیک، به دنبال واکاو و

مفهوم‌سازی شش مقوله، یعنی شرایط علی، عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، پدیده محوری، راهبردها و پیامدهای مرتبط با موضوع پژوهش است. جامعه مورد مطالعه در این بخش شامل تمام صاحب‌نظران، استادان و متخصصان حوزه کارآفرینی، کارآفرینی اجتماعی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، توسعه روستایی و زنان عضو صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی در شهرستان ایوان (استان ایلام) بودند که نمونه‌های مورد مطالعه ابتدا به صورت هدفمند و سپس به روش نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند. نمونه‌ها در نمونه‌گیری نظری که به‌عنوان روش غالب در نظریه داده‌بنیان شناخته می‌شود، به شکلی انتخاب می‌شوند که به خلق نظریه کمک کنند. برای این منظور، ابتدا چند نفر از افراد و مطلعان کلیدی، صاحب‌نظران، استادان و متخصصان حوزه کارآفرینی، کارآفرینی اجتماعی، توسعه روستایی و زنان عضو صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی در شهرستان ایوان به صورت هدفمند انتخاب شدند؛ به‌گونه‌ای که اطمینان حاصل شد که افراد منتخب شامل متخصصانی هستند که دارای سابقه علمی، پژوهشی و اجرایی در زمینه کارآفرینی اجتماعی و صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی باشند؛ پس از انجام مصاحبه‌های اولیه و تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل، کدگذاری و ایجاد مفاهیم، مقایسه آن‌ها با هم، تشکیل مقوله‌ها و برقراری ارتباط بین آن‌ها از نمونه‌گیری گلوله برفی و نظری برای انتخاب نمونه‌های بعدی استفاده شد. اشباع نظری در این مطالعه پس از انجام ۱۹ مصاحبه (مدت زمان مصاحبه‌ها بین ۴۰ تا ۵۷ دقیقه متفاوت بود) حاصل شد؛ به‌گونه‌ای که پژوهشگر با پرسیدن سؤالات به‌طور مکرر متوجه شد که داده‌های جدید هیچ بینش تازه‌ای را برای طبقات آشکار نمی‌کند. با توجه به ماهیت موضوع و هدف تحقیق در پژوهش حاضر، از مصاحبه‌های عمیق انفرادی در کنار مدارک و اسناد کتابخانه‌ای و اینترنتی بهره گرفته شد. مجموعه‌ای از پرسش‌های اولیه و از پیش تهیه شده در مصاحبه‌های اکتشافی نیمه‌ساختارمند، در اختیار مصاحبه‌شوندگانی قرار گرفت که به‌صورت‌های مختلف دارای تجربه‌ها و تماس نظری، عملی و حرفه‌ای با امر کارآفرینی اجتماعی صندوق‌های اعتبارات خرد هستند، و سپس با هماهنگی‌های لازم، مصاحبه‌ها اخذ شد. اصلی‌ترین فرآیند در تئوری بنیانی، تحلیل داده‌هاست که مرکز ثقل پژوهش‌های کیفی است. تحلیل داده‌ها در روش نظریه داده‌بنیان، از طریق کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) انجام می‌شود. در تحقیقات کیفی استفاده از مفاهیمی مانند قابلیت اعتبار (اعتبارپذیری)، قابلیت تأیید (تأییدپذیری) و قابلیت انتقال (انتقال‌پذیری) در توصیف جنبه‌های گوناگون قابلیت اطمینان کاربرد دارد. در این راستا، قابلیت اعتبار نتایج این پژوهش با استفاده از تکنیک‌های کنترل اعضا، استفاده از محققان مختلف در جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و خودبازبینی محقق مورد بررسی قرار گرفت. همچنین، به‌منظور بررسی تأییدپذیری نتایج حاصل از تحقیق، کلیه یادداشت‌ها، اسناد و مصاحبه‌های ضبط‌شده پس از تحلیل

توسط محقق، مجدداً در اختیار تیم پژوهش و دیگر محققان قرار گرفت تا تناسب بین داده‌های خام با نتایج حاصل از داده‌ها تأیید شود. به بیانی دیگر، هدف از انجام این بخش، بررسی این موضوع بود که آیا بر اساس مصاحبه‌ها و اسناد موجود، ابعاد و مؤلفه‌های کارآفرینی اجتماعی در بین زنان روستایی عضو صندوق‌های اعتبارات خرد شهرستان ایوان به درستی توسط پژوهشگر مشخص شده‌اند یا خیر. همچنین به منظور بررسی انتقال‌پذیری نتایج حاصل از پژوهش حاضر از رویه‌های ویژه کدگذاری و مقایسه مداوم نتایج با یادداشت‌ها و مصاحبه‌ها در حین انجام کدگذاری و توصیف دقیق شرایط انجام تحقیق بهره گرفته شد.

نتایج و بحث

جهت تدوین الگوی توسعه کارآفرینی اجتماعی در بین زنان روستایی عضو صندوق‌های اعتبارات خرد شهرستان ایوان از نظریه داده‌بنیان بهره گرفته شد. داده‌های جمع‌آوری شده در قالب یادداشت‌های میدانی و فایل‌های صوتی ضبط شده بودند که توسط پژوهشگران در محیط نرم‌افزار Word پیاده‌سازی و پس از بررسی خط به خط متن مصاحبه‌ها، جملات مرتبط با پرسش‌های پژوهش استخراج شدند. برای این منظور، همان گونه که قبلاً اشاره شد تجزیه و تحلیل داده‌ها طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد.

- کدگذاری باز

در این مرحله متن مصاحبه‌ها مورد تحلیل محتوای معمولی (عرفی) قرار گرفت. بدین صورت که متن مصاحبه‌ها با تحلیل خط به خط تجزیه و تحلیل شدند. مفاهیم بی‌ربط و نامناسب حذف شده و مفاهیم کلیدی استخراج شدند و مفاهیم مشابه نیز در هم ادغام شدند. در این مرحله ۷۰ مفهوم مرتبط با الگوی توسعه کارآفرینی اجتماعی در بین زنان عضو صندوق‌های اعتبارات خرد شهرستان ایوان به دست آمد (جدول ۱).

- کدگذاری محوری

مفاهیم مستخرج در مرحله کدگذاری باز، در مرحله کدگذاری محوری دسته‌بندی شد و بر اساس نزدیکی مفاهیم، زیرطبقات را شکل دادند. در نهایت، زیرطبقات تشکیل شده بر اساس مدل نظام‌مند نظریه داده‌بنیان، طبقات اصلی (شرایط علی، عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، پدیده، راهبردها و پیامدها) را به وجود آوردند (جدول ۱).

طراحی الگویی برای توسعه کارآفرینی.....

جدول ۱- نتایج حاصل از مراحل کدگذاری باز و محوری

طبقه	زیر طبقه	مفاهیم
	دانش و اطلاعات	دوره‌های آموزشی - ترویجی کسب اطلاعات از فضای مجازی دارا بودن تحصیلات دانشگاهی تجربه قبلی
	تلاطم‌های فردی	مشکلات جسمی افسردگی بیکاری شکست‌ها و مشکلات قبلی وضعیت مالی ضعیف
	سرمایه اجتماعی	اعتماد میان اعضا هماهنگی میان اعضا مناسب بودن روحیه تعاون و همکاری در بین زنان روستایی عضو صندوق بالا بودن همبستگی میان زنان عضو صندوق
شرایط علی	مسئولیت‌پذیری اجتماعی	تلاش برای درک زنان محروم و آسیب‌دیده حس دلسوزی برای زنان دارای محرومیت اجتماعی مسئولیت‌پذیری در قبال خانواده نوع دوستی
	داشتن الگوی نقش	اردوها و بازدیدهای یک روزه صندوق الگوبرداری از کسب و کارهای موفق خوداشتغالی اعضای خانواده
	خصیصه‌های روان‌شناختی	افق فکری اعضا پشتکار داشتن انگیزه‌های درونی علاقتمندی به خوداشتغالی
	آگاهی اجتماعی	سروکار داشتن با مسائل اجتماعی زنان آشنایی قبلی با سازمان‌های اجتماعی
	ماهیت صندوق‌های اعتبارات خرد	مقرون به صرفه بودن وام‌های صندوق بازپرداخت مناسب وام‌های صندوق

طبقه	زیر طبقه	مفاهیم
	ویژگی‌های جمعیت‌شناختی	سن اعضای صندوق
	فرصت‌های ادراک شده	وجود بازارهای مناسب برای فعالیت‌های کارآفرینانه پتانسیل‌های منطقه تنوع فعالیت‌های اقتصادی در روستا
عوامل زمینه‌ای	حمایت‌های محیطی ادراک شده	استقبال نهادهای حمایت‌کننده از فعالیت‌های کارآفرینانه صندوق تشویق اطرافیان حمایت دولت از صندوق‌های اعتبارات خرد حمایت مالی از صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی
	موانع درک شده	کمبود امکانات گران بودن مواد اولیه
عوامل مداخله‌گر	تلاطم‌های محیطی نوسانات بازار	شیوع بیماری کرونا نوسانات دلار عدم قطعیت و ناامنی نسبت به آینده
	حمایت اقتصادی	افزایش مبلغ وام معرفی اعضای صندوق به افراد خیر دادن وام به اعضای فعال صندوق و حذف اعضای غیرفعال اعطای وام‌های کم‌بهره به صندوق‌های اعتبارات خرد
راهبردها	حمایت آموزشی سیاست‌های مالی - حمایتی	استفاده از مشاورین حرفه‌ای کسب‌وکار تقویت مهارت‌های بازاریابی حمایت دولت و سازمان‌های اجتماعی از فعالیت‌های زنان روستایی توجه به بازارهای بومی برای کالاها و صنایع تولیدی زنان روستایی
	الگوسازی تیم‌سازی اثربخش	بازدید از صندوق‌ها و کسب‌وکارهای موفق زنان روستایی تیم‌سازی در بین اعضای صندوق به‌منظور توسعه فعالیت‌ها
	توانمندی روان‌شناختی	افزایش اعتماد به نفس تقویت روحیه زنان روستایی افزایش امید به زندگی افزایش رضایت از زندگی
پیامدها	توانمندی اقتصادی	کمک به اقتصاد خانوار افزایش قدرت خرید خانوار داشتن پشتوانه مالی

طراحی الگویی برای توسعه کارآفرینی.....

مفاهیم	زیر طبقه	طبقه
استقلال مالی اشتغال زایی		
تحکیم روابط خانوادگی اعضا کاهش نزاع‌ها و اختلافات خانوادگی	بهبود روابط خانوادگی	
توسعه زیرساخت‌های روستا افزایش مشورت میان اعضا	توسعه کالبدی	
کسب هویت، نقش و جایگاه در اجتماع بالا بردن همبستگی میان زنان روستایی کاهش آسیب‌های اجتماعی رهایی از فقر	توسعه اجتماعی	
توسعه فعالیت‌های کوچک خانوادگی بهبود معیشت روستاییان	پایدارسازی معیشت	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بر اساس جدول بالا (جدول ۱)، مفاهیمی که به شرایط علی توسعه کارآفرینی اجتماعی در بین زنان روستایی عضو صندوق‌های اعتبارات خرد شهرستان ایوان بر می‌گردد، ۹ زیرطبقه اصلی را تشکیل می‌دهند. زیرطبقه "دانش و اطلاعات" شامل دوره‌های آموزشی - ترویجی، کسب اطلاعات از فضای مجازی، دارا بودن تحصیلات دانشگاهی و تجربه قبلی است. در واقع، افراد مورد مطالعه بر این باور بودند که شرکت در دوره‌های آموزشی، فراهم بودن امکان کسب اطلاعات از فضای مجازی، برخورداری از تحصیلات دانشگاهی و تجارب قبلی آنان منجر به سوق‌دهی آنان به عضویت در صندوق‌های اعتبارات خرد و به دنبال آن راه‌اندازی کسب‌وکارهای کارآفرینانه شده است. زیرطبقه "تلاطم‌های فردی"، مفاهیم مشکلات جسمی، افسردگی، بیکاری، شکست‌ها و مشکلات قبلی و وضعیت مالی ضعیف را در خود جای داده است. در واقع، از نظر افراد مورد مطالعه، وجود هریک از این مسائل و مشکلات در زندگی آنان بستری را برای حضور آنان در صندوق‌های اعتبارات خرد و روی آوردن به کارآفرینی را فراهم نموده است تا بتوانند به‌واسطه آن بر خلأها و مشکلات خود فائق آیند. زیرطبقه "سرمایه اجتماعی" عواملی مانند اعتماد میان اعضا، هماهنگی میان اعضا، مناسب بودن روحیه تعاون و همکاری در بین زنان روستایی عضو صندوق، بالا بودن همبستگی میان زنان عضو صندوق را پوشش می‌دهد. به بیانی دیگر، افراد مورد مطالعه بر این باور بودند که اعتماد،

همبستگی و همکاری میان اعضای صندوق تلاش آنان را برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای کارآفرینانه به تبعیت از سایر اعضا دوچندان نموده است. زیرطبقه دیگر که بر وجود "مسئولیت‌پذیری اجتماعی" در میان اعضای صندوق‌های اعتبارات خرد اشاره دارد شامل تلاش برای درک زنان محروم و آسیب‌دیده، حس دلسوزی برای زنان دارای محرومیت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری در قبال خانواده و نوع‌دوستی است. برخی از افراد مورد مطالعه، راه‌اندازی این صندوق‌ها را تلاشی در جهت کاهش آسیب‌پذیری زنان روستایی می‌دانستند و در واقع، مشارکت در آن را نوعی مسئولیت‌پذیری در قبال جامعه و خانواده برمی‌شمردند. "داشتن الگوی نقش" نیز بر مفاهیمی مانند اردوها و بازدیدهای یک‌روزه صندوق، الگوبرداری از کسب‌وکارهای موفق و خوداشتغالی سایر اعضای خانواده، تأکید دارد. به‌عبارت‌دیگر، افراد مورد مطالعه بر این باور بودند که حضور کارآفرینان موفق در اطراف آنان انگیزه‌ای را برای حضور آنان در عرصه‌های کارآفرینی فراهم نموده است.

مفاهیم افق فکری اعضا، پشتکار داشتن، انگیزه‌های درونی و علاقمندی به خوداشتغالی، زیرطبقه "خصیصه‌های روان‌شناختی" را تشکیل می‌دهند. در واقع، برخی از ویژگی‌هایی که افراد مورد مطالعه به آن‌ها تحت عنوان عوامل علی‌الگویی توسعه کارآفرینی اجتماعی اشاره نمودند، به خصیصه‌های فردی آنان مربوط می‌شد. برای مثال، یکی از مصاحبه‌شوندگان، افق فکری را در حرکت به سمت کارآفرینی اجتماعی مؤثر دانست و اذعان داشت که افق فکری بلندمدت، فرد را به سمت منافع بلندمدت سوق می‌دهد. زیرطبقه دیگر که بر وجود "آگاهی اجتماعی" در میان اعضای صندوق‌های اعتبارات خرد اشاره دارد، شامل سروکار داشتن با مسائل اجتماعی زنان، آشنایی قبلی با سازمان‌های اجتماعی است. در این راستا، مدیر یکی از صندوق‌های مورد مطالعه اذعان داشت که آشنایی وی با مسائل و مشکلات زنان و همچنین شناخت کافی از سازمان‌های اجتماعی حامی زنان، مشوقی برای وی در جهت راه‌اندازی این صندوق بوده است؛ تا شاید به سبب آن بتواند باری از دوش زنان بردارد و مرهمی بر آلام آنان باشد.

"ماهیت صندوق‌های اعتبارات خرد" نیز بر مفاهیمی مانند مقرون به صرفه بودن وام‌های صندوق و بازپرداخت مناسب وام‌های صندوق اشاره دارد. به‌عبارت‌دیگر، افراد مورد مطالعه بر این باور بودند که با توجه به شرایط مناسب دریافت وام از صندوق نظیر عدم کاغذبازی، نیاز به ضامن و همچنین بازپرداخت مناسب، انگیزه آنان برای عضویت در این صندوق‌ها و استفاده از وام‌های آن برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای کارآفرینانه افزایش یافته است. زیرطبقه "ویژگی‌های جمعیت‌شناختی" به مفهومی نظیر سن اعضای صندوق اشاره دارد. در این راستا، یکی از مصاحبه‌شوندگان معتقد بود که

عضویت افراد جوان در صندوق نسبت به زنان با سنین بالا، می‌تواند شرایط راه‌اندازی کسب‌وکارهای کارآفرینانه را بیشتر فراهم نماید، چراکه زنان جوان‌تر انگیزه پیشرفت بالاتری داشته و برای دستیابی به آرزوها و خواسته‌های خود ریسک بیشتری می‌کنند.

طبقه عوامل زمینه‌ای شامل سه زیرطبقه است. مفاهیم وجود بازارهای مناسب برای فعالیت‌های کارآفرینانه، پتانسیل‌های منطقه و تنوع فعالیت‌های اقتصادی در روستا، زیرطبقه "فرصت‌های ادراک‌شده" را تشکیل می‌دهند. در واقع، برخی از افراد مورد مطالعه معتقد بودند که پتانسیل‌هایی که در روستاهای آنان وجود دارد زمینه را برای شکل‌گیری انواع مختلفی از کسب‌وکارها فراهم نموده است و همچنین بازارهای مناسبی برای فعالیت‌های کارآفرینانه فراهم نموده است و لذا وجود این شرایط و بسترها عاملی در تشویق آنان به فعالیت‌های کارآفرینانه با استفاده از وام‌های صندوق‌های اعتبارات خرد بوده است. زیرطبقه "حمایت‌های محیطی ادراک‌شده"، استقبال نهادهای حمایت‌کننده از فعالیت‌های کارآفرینانه صندوق، تشویق اطرافیان، حمایت دولت از صندوق‌های اعتبارات خرد و حمایت مالی از صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی را شامل می‌شود. در واقع، این زیرطبقه گویای آن است که از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان وجود حمایت‌های مختلف از کارآفرینان و اقدامات کارآفرینانه آنان و ادراک فرد از این حمایت‌ها می‌تواند توسعه کارآفرینی اجتماعی را به دنبال داشته باشد. زیرطبقه "موانع درک‌شده" که کمبود امکانات و گران بودن مواد اولیه را در بر می‌گیرد، نقطه مقابل حمایت‌های ادراک‌شده است. به عبارت دیگر، از دیدگاه افراد مورد مطالعه وجود برخی موانع در سطح جامعه خود مانعی جدی در ترویج و توسعه کارآفرینی اجتماعی به شمار می‌رود.

طبقه عوامل مداخله‌گر توسط دو زیرطبقه شکل می‌گیرد. "تلاطم‌های محیطی" که در نتیجه شیوع بیماری کرونا به وجود آمده و تا حدود زیادی اکثر کسب‌وکارها را تحت تأثیر قرار داده است که کسب‌وکارهای کارآفرینانه زنان عضو صندوق‌های اعتبارات خرد شهرستان ایوان نیز از این امر مستثنی نبوده‌اند. "نوسانات بازار" بر زنان عضو صندوق‌های اعتبارات خرد نیز اثر دارد.

طبقه راهکارهای توسعه کارآفرینی اجتماعی در صندوق‌های اعتبارات خرد شهرستان ایوان پنج زیرطبقه را شامل می‌شود. زیرطبقه "حمایت اقتصادی" چهار مفهوم را شامل می‌شود که شامل افزایش مبلغ وام، معرفی اعضای صندوق به افراد خیر، اعطای وام به اعضای فعال صندوق و حذف اعضای غیرفعال و اعطای وام‌های کم‌بهره به صندوق‌های اعتبارات خرد است. در واقع، برخی مصاحبه‌شوندگان بر این باور بودند که بایستی در جهت افزایش مبلغ وام اقدامات مقتضی صورت گیرد

و افزون بر این، وام‌ها به افرادی اختصاص یابد که به دنبال راه‌اندازی کسب‌وکارهای کارآفرینانه هستند.

"حمایت آموزشی" زیرطبقه دیگری است که دو مفهوم استفاده از مشاورین حرفه‌ای کسب‌وکار و تقویت مهارت‌های بازاریابی را در خود جای داده است. زیرطبقه "سیاست‌های مالی-حمایتی" نیز دو مفهوم را در بر گرفته که شامل حمایت دولت و سازمان‌های اجتماعی از فعالیت‌های زنان روستایی و توجه به بازارهای بومی برای کالاها و صنایع تولیدی زنان روستایی است. زیرطبقات "الگوسازی" به یک مفهوم بازدید از صندوق‌ها و کسب‌وکارهای موفق زنان روستایی اشاره دارد. مفهوم تیم‌سازی در بین اعضای صندوق به منظور توسعه فعالیت‌ها در زیرطبقه "تیم‌سازی اثربخش" قرار گرفته است. در واقع، برخی از اعضا معتقد بودند با توجه به اندک بودن مبلغ وام‌ها اگر بتوان در جهت تیم‌سازی و گروه‌بندی اعضا در حیطه‌های مورد علاقه‌شان اقدام نمود می‌توان بیشتر به راه‌اندازی کسب‌وکارهای کارآفرینانه امیدوار بود. شش زیرطبقه "توانمندی روان‌شناختی"، "توانمندی اقتصادی"، "بهبود روابط خانوادگی"، "توسعه کالبدی"، "توسعه اجتماعی" و "پایدارسازی معیشت"، طبقه پیامدهای توسعه کارآفرینی اجتماعی در بین زنان روستایی عضو صندوق‌های اعتبارات خرد شهرستان ایوان را تشکیل دادند. از نگاه زنان روستایی عضو صندوق‌های اعتبارات خرد شهرستان ایوان، توسعه کارآفرینی اجتماعی در سایه عضویت در صندوق‌های اعتبارات خرد اثرات زیادی در زندگی شخصی و خانوادگی آنان در وهله نخست و در ادامه در سطوح کلان کشوری و اجتماعی به دنبال داشته است. برخی بر این باور بودند که بیکاری زنان و ماندن آن‌ها در منزل به اختلافات خانوادگی دامن زده، که این اختلافات پس از اشتغال آنان در قالب کسب‌وکارهای کارآفرینانه کاهش چشمگیری داشته و لذا به تحکیم روابط خانوادگی اعضا منجر شده است. افزون بر این، حضور زنان در عرصه‌های کارآفرینی نه تنها اعتمادبه‌نفس آنان را افزایش داد؛ بلکه امید به زندگی و رضایت از زندگی را نیز در آنان ارتقا بخشیده است. توانمندی اقتصادی از دیگر پیامدهای مثبت کارآفرینی اجتماعی زنان روستایی بود که به بهبود اقتصاد خانوار، افزایش قدرت خرید خانوار، داشتن پشتوانه مالی، استقلال مالی و اشتغال‌زایی اعضای صندوق منجر شده است. به لحاظ راه‌اندازی کسب‌وکارهای مختلف در سطح روستاهای مورد مطالعه و رونق اقتصادی در آن‌ها، توسعه زیرساخت‌های روستا از آثار و پیامدهای کارآفرینی اجتماعی به شمار می‌رفت که توسعه کالبدی روستا را به دنبال داشت. برخی از افراد مورد مطالعه اذعان داشتند که کارآفرینی اجتماعی موجب افزایش مشورت میان اعضا، کسب هویت، نقش و جایگاه در اجتماع، بالا بردن همبستگی میان زنان روستایی، کاهش آسیب‌های

اجتماعی و رهایی از فقر شده است که به نوعی می‌توان گفت توسعه اجتماعی را به دنبال داشته است. بهره‌گیری از وام‌های صندوق در قالب کارآفرینی اجتماعی، توسعه فعالیت‌های کوچک خانوادگی و بهبود معیشت روستاییان را موجب شده است که می‌توان گفت پایدارسازی معیشت روستاییان مورد مطالعه از اثرات این صندوق‌ها بوده است.

- کدگذاری انتخابی

پژوهشگر در این نوع کدگذاری، به‌واسطه نقل یک روایت داستان‌گونه روابط درونی میان طبقات و زیرطبقات الگوی استخراجی در مراحل قبلی را تشریح می‌کند. افراد به‌واسطه "دانش و اطلاعات" قبلی که دارند و همچنین به‌واسطه "سرمایه اجتماعی" که در نتیجه عضویت در گروه‌های مختلف کسب می‌کنند به دنبال آن هستند که از این دو سرمایه (انسانی و اجتماعی) در جهت راه‌اندازی کسب‌وکارهای کارآفرینانه اقدام نمایند. در واقع، عضویت در گروه‌هایی که اعضای آن به اشتغال و کارآفرینی فکر می‌کنند، خواه ناخواه فرد را به هم‌نوایی با سایر اعضای گروه وامی‌دارد که در این راستا، به‌منظور دستیابی به هدف خود که همانا کارآفرینی اجتماعی است، از دانش و اطلاعات پیشین خود بهره می‌گیرد. پرواضح است که در این مسیر "داشتن الگوی نقش" می‌تواند تأثیر بسزایی در حرکت فرد به سمت کارآفرینی اجتماعی داشته باشد؛ چراکه حضور چنین افرادی موجب دلگرمی و پشتوانه سایرین می‌شود. هر اندازه زنان روستایی از "آگاهی اجتماعی" و "مسئولیت‌پذیری اجتماعی" بالاتری برخوردار باشند، قدم زدن در مسیر کارآفرینی اجتماعی برای آنان آسان‌تر می‌شود؛ چراکه ضمن آشنایی با مسائلی که زنان در اجتماع با آن مواجهند، با نهادهای حامی زنان نیز آشنا شده و به جهت تعهدی که در قبال خانواده خود حس می‌کنند، در جهت رفع و رجوع مشکلات خانوادگی خود برمی‌آیند. هر اندازه زنان وقوع "تلاطم‌های فردی" بیشتری را در زندگی تجربه کرده باشند، تلاش برای غلبه بر مشکلات و موانع و ایستادن بر روی پاهای خود را بیشتر خواهند کرد و لذا کارآفرینی اجتماعی می‌تواند غایتی برای جبران این خلاءها باشد. البته ناگفته نماند که "خصیصه‌های روان‌شناختی"، "ماهیت صندوق‌های اعتبارات خرد" و "ویژگی‌های جمعیت‌شناختی" نیز تا حدود زیادی حرکت زنان به سمت کارآفرینی اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌عنوان مثال، زنانی که از خصیصه‌های کارآفرینانه برخوردارند، مشکلات و موانع را به‌عنوان فرصت می‌بینند. هرچه زنان جوان‌تر بوده‌اند انگیزه بیشتری برای پیشرفت داشته و می‌توانند مسیر کارآفرینی اجتماعی را به سرعت طی نمایند. نکته قابل توجه آن که صندوق‌های اعتبارات خرد نیز به جهت فراهم نمودن محیطی زنانه

با قابلیت دسترسی راحت به وام و بازپرداخت مناسب، بستری امن را برای حرکت زنان به سمت کارآفرینی اجتماعی فراهم نموده است.

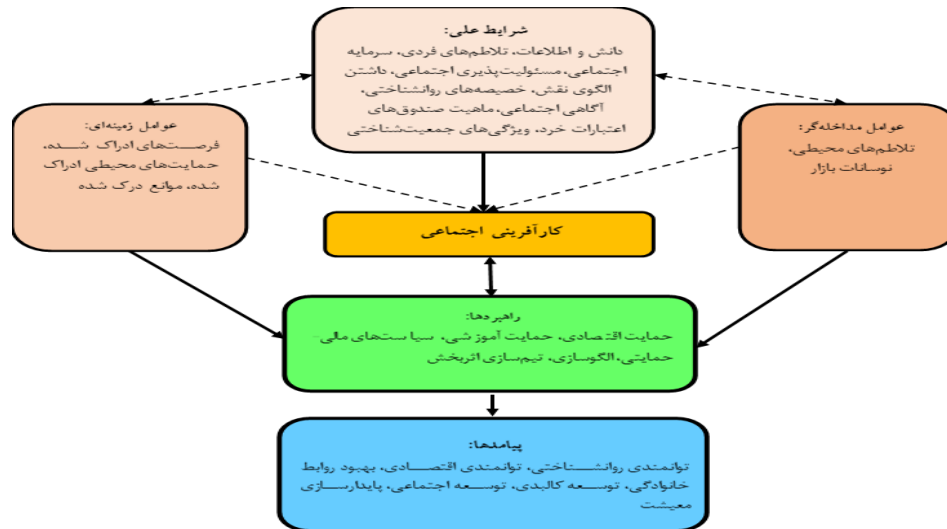
فعالیت‌های صندوق‌های اعتبارات خرد در ارتباط با توسعه کارآفرینی اجتماعی تحت تأثیر یک‌سری عوامل بیرونی تحت عنوان عوامل زمینه‌ای نیز قرار می‌گیرند که عبارتند از: فرصت‌های ادراک‌شده، حمایت‌های محیطی ادراک‌شده و موانع درک‌شده. در واقع، وجود پتانسیل‌های بی‌شمار در منطقه مورد مطالعه، زمینه را برای تنوع فعالیت‌های اقتصادی و اقدامات کارآفرینانه فراهم نموده است. البته پر واضح است که بهره‌برداری از این فرصت‌ها و توسعه کارآفرینی اجتماعی تا حدود زیادی مرهون حمایت‌های محیطی است که از جانب نهادهای و ارگان‌های مختلف فراهم می‌شود. چنانچه موانع موجود فراتر از حمایت‌های فراهم شده باشد، می‌تواند اثر سوئی بر توسعه کارآفرینی اجتماعی داشته باشد. عواملی که تاکنون ذکر آن گذشت به صورت مستقیم بر توسعه کارآفرینی اجتماعی در صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی تأثیر می‌گذارد؛ این در حالی است که عوامل بیرونی دیگری وجود دارند که به صورت غیرمستقیم بر توسعه کارآفرینی اجتماعی اثر می‌گذارد و مدیریت این عوامل خارج از عهده مدیران صندوق‌های اعتبارات و نهادهای حامی آن‌هاست. این عوامل که به‌عنوان عوامل مداخله‌گر مطرح می‌شوند شامل "شیوع بیماری کرونا" و "نوسانات بازار" است و می‌توان گفت تقریباً سبب کاهش توسعه کارآفرینی اجتماعی در صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی می‌شوند. در واقع، شیوع بیماری ناشناخته کرونا باعث رکود بسیاری از کسب‌وکارهای کارآفرینانه شده است؛ افزون بر این، نوسانات بازار نیز این رکود و مشکل را چند برابر نموده است.

توسعه کارآفرینی اجتماعی در صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی نیازمند حمایت‌های مختلف آموزشی، مالی و ... است. در این راستا، نتایج نشان داد که راهکارهای توسعه کارآفرینی اجتماعی در صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی شامل "حمایت اقتصادی"، "حمایت آموزشی"، "سیاست‌های مالی - حمایتی"، "الگوسازی" و "تیم‌سازی اثربخش" است. با توجه به پایین بودن میزان وام‌های اعطایی از سوی صندوق و بالا بودن هزینه‌های راه‌اندازی فعالیت‌های کارآفرینانه لازم است تمهیداتی در جهت بالا بردن سرمایه صندوق‌ها صورت گیرد. برای مثال، شرایطی برای اعطای وام‌های کم‌بهره با مدت بازپرداخت طولانی به صندوق‌های اعتبارات خرد فراهم شود و یا از پتانسیل افراد خیر در جهت افزایش سرمایه صندوق‌ها بهره گرفت. البته نقش مهم و کاربردی آموزش مهارت‌های مهم در جهت راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارهای کارآفرینانه را نیز نباید نادیده گرفت و در قالب بهره‌گیری از نیروهای متخصص و برگزاری کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی مختلف می‌تواند

طراحی الگویی برای توسعه کارآفرینی.....

توسعه کارآفرینی اجتماعی در صندوق‌های اعتبارات خرد را به دنبال داشته باشد. در این راستا، تیم‌سازی و گروه‌بندی اعضای صندوق در جهت تجمیع وام‌های خرد و تبدیل آن به سرمایه کلان شاید بتواند تا حدودی راهگشا باشد. البته در این میان نمی‌توان نقش سیاست‌های حمایتی دولت را نادیده انگاشت؛ چراکه فعالیت‌های کارآفرینانه زنان روستایی تا حدود زیادی تحت تأثیر همین حمایت‌های دولت قرار می‌گیرد. می‌توان با نشان دادن الگوهای موفق کارآفرینی و زنان کارآفرین موفق در جهت تشویق و ترغیب زنان روستایی برای حرکت در این مسیر حرکت نمود و بستری مناسب را برای توسعه کارآفرینی اجتماعی فراهم نمود.

توسعه کارآفرینی اجتماعی در میان زنان عضو صندوق‌های اعتبارات خرد شهرستان ایوان می‌تواند پیامدهای مثبتی برای زنان روستایی، خانواده‌های آنان، روستا و کشور به دنبال داشته باشد. بدین صورت که توسعه کارآفرینی اجتماعی در میان زنان روستایی می‌تواند نتایجی مانند "توانمندی روان‌شناختی"، "توانمندی اقتصادی"، "بهبود روابط خانوادگی"، "توسعه کالبدی"، "توسعه اجتماعی" و "پایدارسازی معیشت" را در پی داشته باشد. رسیدن به این نتایج، علاوه بر اینکه جایگاه زنان روستایی را در جامعه بهبود می‌بخشد، می‌تواند شکوفایی اقتصادی را در پی داشته و کشور را در مسیر توسعه پایدار قرار دهد. بر این اساس، الگوی توسعه کارآفرینی اجتماعی در بین زنان روستایی عضو صندوق‌های اعتبارات خرد شهرستان ایوان تدوین شد (شکل ۱).



شکل ۱. الگوی توسعه کارآفرینی اجتماعی در بین زنان روستایی

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

عوامل علی، مقوله‌هایی (شرایطی) هستند که پدیده اصلی را تحت تأثیر قرار داده و به وقوع یا گسترش پدیده مورد نظر می‌انجامند. در این راستا، یافته‌ها نشان داد که دانش و اطلاعات، تلاطم‌های فردی، سرمایه اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، داشتن الگوی نقش، خصیصه‌های روان‌شناختی، آگاهی اجتماعی، ماهیت صندوق‌های اعتبارات خرد و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، نه عاملی هستند که مستقیماً توسعه کارآفرینی اجتماعی در بین زنان روستایی عضو صندوق‌های اعتبارات خرد شهرستان ایوان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در توضیح این عوامل می‌توان گفت که افراد به‌واسطه "دانش و اطلاعات" قبلی که دارند و همچنین به‌واسطه "سرمایه اجتماعی" که در نتیجه عضویت در گروه‌های مختلف کسب می‌کنند به دنبال آن هستند که از این دو سرمایه (انسانی و اجتماعی) در جهت راه‌اندازی کسب‌وکارهای کارآفرینانه استفاده نمایند. در واقع، عضویت در گروه‌هایی که اعضای آن به اشتغال و کارآفرینی فکر می‌کنند، خواه‌ناخواه فرد را به هم‌نوایی با سایر اعضای گروه وا می‌دارد که در این راستا، به‌منظور دستیابی به هدف خود که همانا کارآفرینی اجتماعی است، از دانش و اطلاعات پیشین خود بهره می‌گیرد. پرواضح است که در این مسیر "داشتن الگوی نقش" می‌تواند تأثیر بسزایی در حرکت فرد به سمت کارآفرینی اجتماعی داشته باشد؛ چراکه حضور چنین افرادی موجب دلگرمی و پشتوانه سایرین می‌شود. هر اندازه زنان روستایی از "آگاهی اجتماعی" و "مسئولیت‌پذیری اجتماعی" بالاتری برخوردار باشند، قدم زدن در مسیر کارآفرینی اجتماعی برای آنان آسان‌تر می‌شود؛ چراکه ضمن آشنایی با مسائلی که زنان در اجتماع با آن مواجهند، با نهادهای حامی زنان نیز آشنا شده و به جهت تعهدی که در قبال خانواده خود حس می‌کنند، در جهت رفع و رجوع مشکلات خانوادگی خود بر می‌آیند. هر اندازه زنان وقوع "تلاطم‌های فردی" بیشتری را در زندگی خود تجربه کرده باشند، تلاش برای غلبه بر مشکلات و موانع و ایستادن بر روی پاهای خود را بیشتر خواهند کرد و لذا کارآفرینی اجتماعی می‌تواند غایتی برای جبران این خلاءها باشد. البته ناگفته نماند که "خصیصه‌های روان‌شناختی"، "ماهیت صندوق‌های اعتبارات خرد" و "ویژگی‌های جمعیت‌شناختی" نیز تا حدود زیادی حرکت زنان به سمت کارآفرینی اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هرچه زنان جوان‌تر بوده انگیزه بیشتری برای پیشرفت داشته و می‌توانند مسیر کارآفرینی اجتماعی را به سرعت طی نمایند. نکته قابل توجه آن‌که صندوق‌های اعتبارات خرد نیز به جهت فراهم نمودن محیطی زنانه با قابلیت دسترسی راحت به وام و بازپرداخت مناسب، بستری امن را برای حرکت زنان به سمت کارآفرینی اجتماعی فراهم نموده است. در تأیید یافته‌های این پژوهش،

قادرمرزی و همکاران (Ghadermarzi et al., 2015) نیز عدم گذراندن دوره‌های آموزشی را یکی از موانع توسعه کارآفرینی در بین زنان روستایی برشمرده‌اند و معتقدند که آموزش زنان می‌تواند راهکاری برای توسعه کارآفرینی در بین آنان باشد. پولیدو و همکاران (Pulido et al., 2014) نیز هم‌جهت با یافته‌های این پژوهش عضویت در سازمان‌های اجتماعی را در توسعه کارآفرینی اجتماعی زنان مؤثر دانسته‌اند. ورکیانی‌پور و همکاران (Varkianipor et al., 2020) نیز ویژگی‌های بانک ارائه دهنده تسهیلات را بر توسعه کارآفرینی مؤثر دانسته‌اند که در این پژوهش نیز ماهیت صندوق‌های اعتبارات خرد از عوامل اثرگذار بر توسعه کارآفرینی اجتماعی زنان روستایی عضو صندوق‌های اعتبارات خرد شهرستان ایوان بود. هم‌راستا با نتایج این پژوهش، کرمانی و همکاران (Kermani et al., 2016) نیز خصیصه‌های روان‌شناختی را در توسعه کارآفرینی اجتماعی در میان زنان روستایی مؤثر دانسته‌اند. همچنین، خوش‌مرام و همکاران (Khoshmaram et al., 2017) وقوع تلاطم‌ها در زندگی افراد را بر تشخیص فرصت‌های کارآفرینی که قلب فرآیند کارآفرینی به شمار می‌رود، مؤثر دانسته‌اند. در این مطالعه نیز، وقوع تلاطم‌ها در زندگی زنان بر توسعه کارآفرینی اجتماعی در میان آنان مؤثر بوده است. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که فرصت‌های ادراک‌شده، حمایت‌های محیطی ادراک‌شده و موانع درک‌شده عوامل زمینه‌ای بودند که توسعه کارآفرینی اجتماعی در بین زنان روستایی عضو صندوق‌های اعتبارات خرد شهرستان ایوان را تحت تأثیر قرار می‌دادند. در توضیح و تبیین چگونگی اثرگذاری این عوامل می‌توان گفت که وجود پتانسیل‌های بی‌شماری در منطقه مورد مطالعه، زمینه را برای تنوع فعالیت‌های اقتصادی و اقدامات کارآفرینانه فراهم نموده است. البته پر واضح است که بهره‌برداری از این فرصت‌ها و توسعه کارآفرینی اجتماعی تا حدود زیادی مرهون حمایت‌های محیطی است که از جانب نهادها و ارگان‌های مختلف فراهم می‌شود. چنانچه موانع موجود فراتر از حمایت‌های فراهم شده باشد، می‌تواند اثر سوئی بر توسعه کارآفرینی اجتماعی داشته باشد. بدیهی است که هر چه ادراک زنان از حمایت‌های محیطی بیشتر از موانع محیطی کارآفرینی اجتماعی باشد، میزان توسعه کارآفرینی اجتماعی در میان آنان بیشتر خواهد بود. کاظمی و مقیمی (Kazemi and Moghimi, 2018) نیز هم‌راستا با یافته‌های این پژوهش، موانع محیطی را سدی در برابر توسعه کارآفرینی اجتماعی در میان زنان روستایی برشمرده‌اند. در تأیید نتایج این مطالعه، صادقلو و همکاران (Sadeghloo et al., 2017) نیز عامل محیطی را در توسعه کارآفرینی زنان مهم و مؤثر دانسته‌اند. با توجه به این‌که شرایط مداخله‌گر، شرایط ساختاری هستند که مداخله سایر عوامل را تسهیل یا محدود کرده، لذا در این مطالعه شیوع بیماری کرونا و نوسانات بازار به‌عنوان دو عامل مداخله‌گر در

توسعه کارآفرینی اجتماعی در بین زنان روستایی عضو صندوق‌های اعتبارات خرد شهرستان ایوان شناسایی شدند. در واقع، عوامل مداخله‌گر دسته‌ای از عوامل بیرونی هستند که به صورت غیرمستقیم بر توسعه کارآفرینی اجتماعی اثر می‌گذارند و مدیریت این عوامل خارج از عهده مدیران صندوق‌های اعتبارات و نهادهای حامی آن‌هاست. در این راستا، شیوع بیماری ناشناخته کرونا باعث رکود بسیاری از کسب‌وکارهای کارآفرینانه شده است، افزون بر این نوسانات بازار نیز این رکود و مشکل را چند برابر نموده است. به بیانی دیگر، نوسانات دلار بسیاری از مشاغل را متأثر نموده است. در این راستا، خوش‌مرام و همکاران (Khoshmaram et al., 2017) وجود تحریم‌ها را در شناسایی فرصت‌های کارآفرینی به‌عنوان قلب فرآیند کارآفرینی مؤثر دانسته‌اند که به نوعی می‌توان گفت تأییدی بر نتایج این مطالعه در خصوص نوسانات بازار است.

راهبردها به کلیه اقدامات خرد و کلانی اشاره دارد که به بهبود و تقویت شکل‌گیری فرآیند (پدیده محوری) مورد بررسی می‌پردازند. در این راستا، نتایج نشان داد که راهبردهای توسعه کارآفرینی اجتماعی در صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی شامل حمایت اقتصادی، حمایت آموزشی، سیاست‌های مالی- حمایتی، الگوسازی و تیم‌سازی اثربخش است. با توجه به پایین بودن میزان وام‌های اعطایی از سوی صندوق و بالا بودن هزینه‌های راه‌اندازی فعالیت‌های کارآفرینانه لازم است تمهیداتی در جهت بالا بردن سرمایه صندوق‌ها صورت گیرد. به‌عنوان مثال، شرایطی برای اعطای وام‌های کم‌بهره با مدت بازپرداخت طولانی به صندوق‌های اعتبارات خرد فراهم شود و یا از پتانسیل افراد خیر در جهت افزایش سرمایه صندوق‌ها بهره گرفت. البته نقش مهم و کاربردی آموزش مهارت‌های مهم در جهت راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارهای کارآفرینانه را نیز نباید نادیده گرفت و در قالب بهره‌گیری از نیروهای متخصص و برگزاری کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی مختلف می‌تواند توسعه کارآفرینی اجتماعی در صندوق‌های اعتبارات خرد را به دنبال داشته باشد. در این راستا، شاید تیم‌سازی و گروه‌بندی اعضای صندوق در جهت تجمیع وام‌های خرد و تبدیل آن به سرمایه کلان بتواند تا حدودی راهگشا باشد. البته در این میان نمی‌توان نقش سیاست‌های حمایتی دولت را نادیده انگاشت؛ چراکه فعالیت‌های کارآفرینانه زنان روستایی تا حدود زیادی تحت تأثیر همین حمایت‌های دولت قرار می‌گیرد. می‌توان با نشان دادن الگوهای موفق کارآفرینی و زنان کارآفرین موفق در جهت تشویق و ترغیب زنان روستایی برای حرکت در این مسیر حرکت نمود و بستری مناسب را برای توسعه کارآفرینی اجتماعی فراهم نمود. در راستای نتایج این مطالعه، پژوهشگران مختلفی به الگوسازی از کارآفرینان اجتماعی و تکریم آنان در راستای توسعه کارآفرینی اجتماعی اشاره کرده‌اند.

همچنین، این مطالعات به آموزش کارآفرینان اجتماعی و نهادینه‌سازی این آموزش‌ها در نظام آموزشی کشور به‌عنوان راهبردی در جهت توسعه کارآفرینی اجتماعی اشاره داشتند. افزون بر این، پژوهشگران در مطالعات مختلف به نقش مهم محیط حمایت‌گر و برانگیزاننده اشاره نموده‌اند و معتقدند نهادهای مختلف سیاسی، اجتماعی و قانونی بایستی بستر لازم برای حمایت از کارآفرینان اجتماعی را فراهم آورند تا بتوان به توسعه کارآفرینی اجتماعی در جامعه امیدوار بود.

پیامدها، نتایج هستند که در اثر اجرای راهبردها در بافت مورد مطالعه پدیدار می‌شوند، در این مطالعه نتایج نشان داد که پیامدهای توسعه کارآفرینی اجتماعی در میان زنان عضو صندوق‌های اعتبارات خرد شهرستان ایوان، توانمندی روان‌شناختی، توانمندی اقتصادی، بهبود روابط خانوادگی، توسعه کالبدی، توسعه اجتماعی و پایدارسازی معیشت هستند. در واقع، رسیدن به این نتایج، علاوه بر اینکه جایگاه زنان روستایی را در جامعه بهبود می‌بخشد، شکوفایی اقتصاد را در پی داشته و کشور را در مسیر توسعه پایدار قرار می‌دهد. در راستای نتایج این مطالعه، زارع و دشتکی (Zare and Dashtaki, 2019) نیز معتقدند که توانمندسازی زنان سرپرست خانوار و پیدایش تعالی اجتماعی از پیامدهای کارآفرینی اجتماعی است. آنان اذعان داشتند که مقوله‌های شادابی اجتماعی، افزایش سلامت اجتماعی، جامعه مترقی، حفظ ارزش و کرامت زن و تحکیم بنیان خانواده و مشارکت اجتماعی از مصادیق تعالی اجتماعی است. کرمانی و همکاران نیز مطابق با یافته‌های این پژوهش، پدیده توانمندسازی را از پیامدهای کارآفرینی اجتماعی زنان سرپرست خانوار شهرداری تهران دانسته‌اند.

منابع

1. Ahmadi Farsani, M. and Safari, A. (2017). Social Entrepreneurship: Causes and Consequences by Nahj-al balagha Approach. *Quarterly Journal of Nahj al-Balagha Research*, 5(18): 99-118. (Persian)
2. Akanji, O. (2001). Microfinance as a strategy for poverty reduction. *Central Bank of Nigeria Economic and Financial Review*, 39(4): 111-134.
3. Boyé, S., Hajdenberg, J. and Poursat, C. (2009). Le guide de la microfinance: Microcrédit et épargne pour le développement, Eyrolles Group; ORGANISATION edition (January 1, 2009).
4. Creswell, J. W. (2012). Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research, Pearson.

5. De Bruin, A., Brush, C.G. and Welter, F. (2007). Advancing a framework for coherent research on women's entrepreneurship. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 31(3): 323-339.
6. Roknedin Eftekhari, A.R. and Sojasi Qidari, H.S. (2014). Rural development with emphasis on entrepreneurship (definitions, perspectives and experiences), Samt. (Persian)
7. Ghadermarzi, H., Jamshidi, A., Jamini, D. and Sarmaze, H.N. (2015). Identification Hampering Factors Affecting Development of Rural Women's (Case Study: Shalil Villages- Ardal Township). *Journal of Zonal Planing*, 5(17): 103-118.
8. Hibbert, S., Hogg, G. and Quinn, T. (2002). Consumer response to social entrepreneurship: the case of the big issue in Scotland. *International Journal of Nonprofit and Voluntary Sector Marketing*, 7(3): 288-301.
9. Iganiga, B. O. (2008). Much ado about nothing: The case of the Nigerian microfinance policy measures, institutions and operations. *Journal of Social Sciences*, 17(2): 89-101.
10. Kallur, M. (2006). Microfinance, social capital and natural resource management systems: Conceptual issues and empirical evidences. *International Journal of Agricultural Resources Governance and Ecology*, 5(4): 327-337.
11. Kazemi, A. and Moghimi, B. (2018). Analysis of Barriers of Improvemg Women's Entrepreneurship in Iran Using Analytic Hierarchy Process. *Quarterly Journal of Women and Society*, 9(34): 249-274. (Persian)
12. Kermani, M., Mazloom Khorasani, M., Behravan, H. and Noghani Dokhtebahmani, M. (2016). Empowerment based on social entrepreneurship: Presenting a grounded theory (A case study of the headquarters for empowering female householders at Tehran municipality). *Journal of Social Sciences*, 12(2): 107-136.
13. Khoshmaram, M., Zarafshani, K., Mirakzadeh, A.A. and Alibaygi, A.H. (2017). Investigating the role of personal turbulence in entrepreneurial opportunities recognition in agriculture sector (The case of Kermanshah province). *Journal of Entrepreneurial Strategies in Agriculture*, 4(7): 13-19. (Persian)
14. LaBarre, P., Fishman, K.H. and Hammonds, F.W. (2001). Who's fast leaders 2002. *Fast Company*, 52(1): 83-128.
15. Martin, R. and Osberg, S. (2007). Social entrepreneurship: The case for definition. *Stanford Social Innovation Review*, 5(28): 29-39.
16. Méndez-Picazo, M.-T., Galindo-Martín, M.-A. and Castaño-Martínez, M.-S. (2021). Effects of sociocultural and economic factors on social

- entrepreneurship and sustainable development. *Journal of Innovation & Knowledge*, 6(2): 69-77.
17. Mozaffari, M.M. and Ziaee, M.S. (2017). Survey the effects of micro finance credits fund on the rural women's managerial empowerment (Case study: Alamout region). *Journal of Investment Knowledge*, 6(24): 231-250. (Persian)
 18. Pulido, D.U., Jiménez, E.F. and Noguera, M.N. (2014). Female social entrepreneurship and sociocultural context: an international analysis. *Revista De Estudios Empresariales*, 2(2): 26-40.
 19. Sadeghloo, T., Heydari Sarban, V. and Gholizadeh, S. (2017). Evaluation of the development capacity of entrepreneurship in rural areas with a approach to the development and diversification of the rural economy (Case study: Rural district of Bezeqi). *Geography And Development Iranian Journal*, 15(49): 37-58. (Persian)
 20. Saeidi, M., Chaharsoughi Amin, H., Moumenihelali, H., Norouzi, A. and Vahedi, M. (2018). Investigating the role of micro-credit fund on the economic empowerment of rural women (The case study: Chardavol township, Ilam province). *Women's Studies Sociological and Psychological*, 15(4): 149-175. (Persian)
 21. Sardoo, S.S. and Karami, A. (2016). The analysis of participation accelerators and their influence on economic performance of micro-credit funds for rural women (The case of: Jiroft county). *Women s Studies (Sociological & Psychological)*, 14(2): 185-212. (Persian)
 22. Shin, C. (2018). How Social Entrepreneurs Affect Performance of Social Enterprises in Korea: The Mediating Effect of Innovativeness. *Sustainability*, 10(8): 2643.
 23. Shiri, N., Khoshmaram, M., Rezaei, A. and Zarafshani, K. (2021). Effect of psychological empowerment dimensions on entrepreneurial behavior among rural women: A model for promoting the role of women in economic development. *Woman in Development & Politics*, 19(4): 573-593. (Persian)
 24. Shiri, N., Mirakzadeh, A. A. and Zarafshani, K. (2017). Promoting entrepreneurial behavior among agricultural students: A two-step approach to structural equation modeling. *International Journal of Agricultural Management and Development*, 7(2): 211-221.
 25. Strauss, A. and Corbin, J. M. (1990). Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques. Thousand Oaks, CA, US, Sage Publications, Inc.
 26. Thompson, J., Alvy, G. and Lees, A. (2000). Social entrepreneurship: A new look at the people and the potential. *Management Decision*, 38(5): 328-338.

27. To, C.K.M., Guaita Martínez, J.M., Orero-Blat, M. and Chau, K.P. (2020). Predicting motivational outcomes in social entrepreneurship: Roles of entrepreneurial self-efficacy and situational fit. *Journal of Business Research*, 121: 209-222.
28. Valizadeh, N. and Karimi-Gougheri, H. (2018). An analysis of factors influencing the social entrepreneurial intention in rural and nomad women's micro-credit funds. *Journal of Entrepreneurial Strategies in Agriculture*, 5(9): 10-20. (Persian)
29. Varkianipor, N., Hosseini, S.M., Samiee, R. and Ashrafi, M. (2020). The entrepreneurial modeling of women is based on the entrepreneurial value chain with a sustainable social development approach in the province of Gulistan. *Journal of Applied Researches in Geographical Sciences*, 20(58): 139-161. (Persian)
30. Zare, R. and Dashtaki, M.S. (2019). Designing and explaining a social entrepreneurship paradigm model with an approach to empowerment of female household heads (Case study: The Imam Khomeini relief foundation of Fars province). *Women in Development and Politics*, 17(1): 147-171. (Persian)